

مسأله روز پوتین باید شرایط بگذارد نه غرب و نه اوکراین



توفیق تماس

اگر صحبت از گفتگو صلح و مذاکرات باشد ، این پوتین است که به عنوان بازیگر میدان جنگ و سیاست شرایط بگذارد ، چون این مرد توانست بطور استراتژیک غرب را در طوفان های سنگین سیاسی غرق کند.

این مرد توانست با تدبیر بلند محاسباتی تاکتیک جنگ را عوض کند هم در اوکراین و هم در شرق میانه ، اوکراین بازی باخته است که بدستان پوتین آخرین نفس های خود را از سینه بیرون میکند و این غرب است که پرداخت میکند شکست های سنگین استراتژیک را در سیاست های بعدی میان دوره یی ، بناً چه غرب و امریکا بخواهد یا نخواهد تابوت شکست تاریخی نفوذ خود را در یک چارچوب تعیین شده به پذیرد !

از اوکراین آغاز کنیم

روسیه موفق شد که از این به بعد (ماهواره) های اطلاعاتی و کشفی امریکا را توسط (پارزیت) بطور کلی مختل کند و این امر میتواند که امریکا نتواند به تاسیسات نظامی و استراتژیک محاربوی اردوی روسیه در جبهه جنگ و خطوط نبرد از طریق این ماهواره های دسترسی داشته باشد ، قبلاً امریکا میتوانست با دقت کامل اهداف نظامی روسیه را در اوکراین شناسایی و اطلاعات را به اردوی اوکراین برساند ولی امر نا ممکن شده و این مسأله میتواند که به مثابه حامل بازدارنده در تغییر وضعیت جنگ در خط نبرد به نفع اردوی روسیه معادله را اسان تر و راحت تر کند

به همین لحاظ است که ناتو و غرب از پیشروی اردوی اوکرایین نا امید و سر خورده شده اند و پیوسته از شکست در اوکرایین در پشت پرده ها و برخی اوقات علنی سخن به زبان میاورند

اوکرایین که باخت در اماتیک را به مثابه یک بازیگر ناکام مجری گرای می کند اخیراً قانونی را تصویب نموده اند در پارلمان اوکرایین که شرکت های خصوصی که توسط غرب و آمریکا قبل از جنگ اوکرایین فعال شده بود ، اکنون بدستور زلنسکی در میان مردم حق دارند که بر جنگ نیروی انسانی تهیه کنند یا بطور سیستماتیک جلب احضار را از مردم ملکی اوکرایین در خطوط نبرد سازمان دهی نمایند این رویداد دو مسئله را بیان میکند

اول - فروپاشی و متلاشی زود هنگام میان هسته های تصمیم گیری در کی یف

دوم - عمق سیاست و نفوذ غرب در تعیین سیاست های اوکرایین و تصمیم گیری ها پیرامون سرنوشت اوکرایین و ملت بیچاره اش که بشدت توسط غربی ها و ناتو مدیریت میگردید ، و حالا این روزنه اشکار تر و عریان تر میگردد که تراژیدی کشور های وابسته به غرب چقدر در انجام کار وحشتناک است

چرا زنان در اردوی اوکرایین به خدمت گرفته میشوند و به خط نبرد بدون معیار های نظامی به جبهه جنگ ارسال میشوند البته در نظر هم بیگیریم که این بانوان جوان میان سال های 35 و حتی کمتر هم اتفاق می افتد

جواب روشن است بنابر اطلاعات از داخل ساختار های نظامی اوکرایین اردوی این کشور با عدم روحیه و مورال جنگی روبرو است با توجه به تلفات که بی سابقه که حالا وزیر صحت نظامی خود اوکرایین فاش نموده که حدود (یک میلیون پنجصد هزار نفر) بر آورد میشود و این مساله انگیزه را میان اردوی پاره و زخمی اوکرایین از لحاظ برد موفقیت بشدت با ناکامی مواجه ساخته ، بنا اردوی تقصیر این ناکامی را بدوش مسئولین درجه اول تصمیم گیری ها در بازی هم گسیخته رهبران کی یف میبیند ، و در صدر نقش بیرونی های غرب و آمریکا که مردم اوکرایین را در گودال بربادی فرو برد ، خوب از موضوع دور نه میریم علت چه است که اردو از بانوان در خط مقدم نبرد استفاده میکند

اول - حضور بانوان میتواند انگیزه مورال را افزایش دهد البته در جبهه جنگ در پهلوی مردانیکه در خط نبرد به سختی جنگ را پیش میبرند و خسته و ملول از شکست ها روحیه را باخته اند ، و حتی در بسیاری موارد زنان در جبهه جنگ مردان را با ألفاظ رکیک و زشت مجبور به مقاومت میکنند ، چون فقدان ایستاده گی و گرم کردن جبهه جنگ بسیار فرسوده شده و این حضور زنان کمک میکند تا روحیه سربازان تقویت شود

دوم - نقش بانوان در یک مقیاس سرگرم کننده در جبهه جنگ میان مردان اوکرایینی توجه ها را معطوف به این میدارد که مردم اوکرایین بطور غیر داشته های طبقاتی در خط نبرد مصروف مبارزه اند

ولی هیچ دست آورد شگرفی نتوانسته که برد موفقیت جنگ را در یک از مون جدی بر اوکرایینی ها رقم زند

اردوی روسیه توان مقابله با غرب را پیدا نمود

اصولاً جنگ اوکرایین ان چیزی را که اموخت به اردوی روسیه این بود که خود را بعد از شکاف های عمیق لژیستکی و نقاط ضعف در این جنگ خود را به یک اردوی تمام عیار در مقابل غرب آماده

سازد حالا این اردوی روسیه در طراحی (سوخو 57) و سوخو (75) که نقش قابل ملاحظه را در برابر (اف 35) امریکایی پیدا نموده در سطح محاسبات بلند استراتژیک در آینده در قابت و پیشی از امریکا است ، بنابراین وقتی که حرف سر مذاکره است پوتین نباید کوتاه بیاید هم در جنگ اوکراین و هم در بازی های استراتژیک منطقه ای ، چون سر غرب اعتبار نیست دوران گرباچف و یلتسن عمق فاجعه را به منزوی شدن روسیه تا حدی ممکن ساخت که غرب ، روسیه را در بازی های استراتژیک دنیا نادیده گرفت ، و هم چنان غرب گفته بود که اگر شوروی از المان شرق بیرون رود ما کشور های شرقی را وارد ناتو نه میکنیم ولی تصویر به طرف دیگری و مسیر دیگر رهنمود شد ، بنا پوتین نباید اعتماد به غرب کند، در بحث اوکراین فقط شروط اساسی روسیه و منافع ژئوپولیتیک روسیه را در نظر بگیرد

چون حالا در بازی های سیاسی فقط زور و توان نظامی است که حرف اول را میزند نه دیپلوماسی

